

۷- اقتصاد بنی صادرات مواد اولیه از کشورهای در حال توسعه (۱)

این مقاله، جریان صادرات مواد اولیه را از کشورهای در حال توسعه صادرکننده مواد غیر نفتی، که بر اساس مناطق جغرافیایی دسته‌بندی شده‌اند، بررسی مینماید. در بخش اول تغییرات ساختاری صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه که طی دوده اخیر صورت گرفته، تجزیه و تحلیل میشود.

* * *

نیاز شدید کشورهای بشدت مقروض، به افزایش رشد صادرات خود در سالهای اخیر، توجه زیادی را به عملکرد صادراتی کشورهای در حال توسعه معطوف ساخته است. این مقاله نیز بر روی عملکرد فوق، در رابطه با مواد اولیه، تمرکز دارد. اما مربوط به جریان صادرات مواد اولیه، از گروههای منطقه‌ای منتخب کشورهای در حال توسعه غیر نفتی ذکر و تحلیل شده است. چنین آماری میتواند برای تنظیم صادرات و تدوین سیاستهای نرخ ارز و تجارت مفید باشد.

اما تجارت خارجی نشانگر تغییرات مهمی در ساختار صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه طی دوده اخیر میباشد. اما فوق، اولاً؛ کاهش سهم کالاهای تمام کشورهای در حال توسعه را در واردات کشورهای صنعتی بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ نشان میدهد. ثانیاً، "اما نشان میدهد که طی دوره فوق، کشورهای آسیایی در حفظ سهم بازاری خود از موفقترین کشورها بوده‌اند. دلایل این تغییرات از بعد عرضه و تقاضا بیان شده‌اند. از بعد تقاضا، این مقاله نقش ترکیب مواد اولیه، نزدیکی به بازارهای کشورهای صنعتی را بیان کرده است. از بعد عرضه، عواملی نظیر قیمت‌های نسبی،

بکارگیری منابع داخلی، رشد جمعیت و وضعیت منابع طبیعی داخلی در کنار تاثيرسياستهای داخلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

سپس، برای تشخیص اثرات نسبی وضعیت اقتصاد جهانی (در بعد تقاضا) و وضعیت داخلی (در بعد عرضه) بر روی حجم صادرات، ما صادرات از بعد اقتصادسنجی تجزیه و تحلیل شده است. کشورهای مورد مطالعه به ۵ منطقه جغرافیائی تقسیم شده اند تا تفاوت‌های بین مناطق درکشهای عرضه و تقاضا روشن شود. سپس برآورد کشهای درآمد و قیمت بدست آمده با برآورد کشهای هریک از کالاهای گروههای کالایی بدست آمده در سایر مطالعات، مقایسه شده است.

قصد بر این بوده است که مطالعه عمدتاً "بجای هریک از کالاهای کشورهای، بر اساس گروههای کالایی و منطقه‌ای بنا نهاده شود، تا فرست تجزیه و تحلیل روندهای گسترده فراهم شود، ضمن آنکه با وجود تجمع کفیی امکان تشخیص تفاوت در این روندها بین گروههای کالایی و منطقه‌ای وجود داشته باشد. با تجمع کشورهای در حال توسعه در مناطق مختلف برای هر گروه کالایی، معادله‌های عرضه می‌توانند با فرض اینکه آن گروه کالایی توسط منابع عرضه آن مشخص می‌شود و کشورهای واردکننده می‌توانند بین کالاهای وارداتی از مبداء یک گروه منطقه‌ای کالاهای تولید داخل تما یز قایل گردند، برآورد گردد. فرض بر آن است که عرضه صادرات مواد اولیه از یک منطقه خاص، با افزایش قیمت مواد اولیه صادراتی نسبت به قیمت‌های داخلی در منطقه، افزایش می‌یابد.

امکان بکارگیری "مدل جایگزینهای ناقص"^(۱) ناشی از تجمع کشورهای در مناطق مختلف می‌باشد. در حالیکه یک کشور بتواند امکان است بدون تغییر قیمت، قادر به تغییر عرضه صادرات مواد اولیه باشد، گروههای کشورهای

(۱): Imperfect-Substitutes Model.

در حال توسعه فقط با ایجاد تغییر در قیمت قادر به تغییر شرایط عرضه میباشند. بنابراین برای گروههای کشوری، بکارگیری مدل "جایگزینهای ناقص" مناسب است. کاهش برآورد شده از این مدل اطلاعات مهمی را در مورد حدود واکنش انواع مشخص صادرات گروههای خاص کشورها نسبت به رشد جهانی، قیمتهای جهانی و قیمتهای منطقه ای داخلی، فراهم میسازد. در بخش اول این مقاله نگاهی داریم به روند صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه بطور اعم و ۵ منطقه منتخب بطور اخص. این روند منعکس کننده تحولات ساختاری ایجاد شده در دوده اخیر میباشد.

* روند صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه

در این بخش روند تجارت صادرات کشورهای در حال توسعه طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ تشریح میشود. در قسمت اول رشد تجارت صادرات مواد اولیه از کشورهای در حال توسعه در مقایسه با تجارت صادرات مشابه از کشورهای صنعتی بیان میشود. در این قسمت چگونگی تعدیل یا فتن سهم بازار کشورهای در حال توسعه و صنعتی، نسبت به شرایط اقتصادی طی دوره مورد بررسی تشریح میگردد. دومین قسمت، رشد تجارت صادرات مواد اولیه را با تفکیک مناطق مختلف کشورهای در حال توسعه و تعیین مناطق نسبتاً "موفق همراه با ذکر دلایل آن مطرح مینماید. سومین قسمت به تجزیه و تحلیل دلایل روند فوق از دیدگاه عرضه و تقاضا، با تاکید بر نقش وضعیت اقتصاد بین المللی، سیاستهای کشورهای صنعتی و سیاستهای داخلی کشورهای در حال توسعه، میپردازد.

۱- روند صادرات در کشورهای صنعتی و در حال توسعه

.....

اهمیت نسبی تجارت صادرات کالایی، خصوصاً "محصولات کشاورزی

برای کشورهای در حال توسعه رویه کاهش است. در واقع، از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ کشورهای در حال توسعه سهم بازاری خود را در واردات کالائی‌جها ن از دست دادند. طی این دوره درآمد صادرات کالائی (به دلار آمریکا) برای کشورهای صنعتی ۱۵ درصد رشد داشت (در مقایسه با ۱۱/۷ درصد برای کشورهای در حال توسعه). این تفاوت ممکن است تا حدی مبین این حقیقت باشد که طی دوره فوق‌رشد صادرات مصنوعات از کشورهای در حال توسعه (۱۸/۶ درصد در سال)، سریعتر از کشورهای صنعتی (۱۶/۹ درصد در سال) بوده است. این ارقام، روند رویه رشد کشورهای در حال توسعه را در صدور مواد غذایی و مواد خام پردازش شده‌ای که قبلاً بدون پردازش صادر می‌شد، منعکس می‌سازد. علیرغم این موفقیت در صادرات مصنوعات از کشورهای در حال توسعه، متوسط نرخ رشد سالانه کل صادرات (کالاها با اضافه مصنوعات) کشورهای صنعتی ۱/۵ درصد سریعتر از نرخ رشد کل صادرات کشورهای در حال توسعه بود.

اگرچه کشورهای در حال توسعه سهم خود را در کل صادرات مصنوعات در بازارهای جهانی افزایش دادند (از ۹/۷ درصد در سال ۱۹۶۵ به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۹۸۰)، لکن سهم آنها در کل صادرات کالائی از ۳۲/۴ درصد در سال ۱۹۶۵ به ۱۸/۱ درصد در سال ۱۹۸۰ کاهش یافت (جدول شماره ۱). این کاهش خصوصاً در مورد کالاهای کشاورزی محسوس بود. سهم کشورهای در حال توسعه در کل صادرات مواد غذایی از ۳۰/۴ درصد به ۲۳ درصد، در کل صادرات نوشیدنی‌ها و تنباکوا از ۸۰/۷ درصد به ۷۳/۴ درصد و در کل صادرات مواد اولیه کشاورزی از ۳۹/۵ درصد به ۲۸/۵ درصد تنزل یافت. این کاهش‌ها می‌تواند تا حدی در ارتباط با افزایش ظرفیت پردازش در کشورهای در حال توسعه باشد، لکن این تعبیر تصویر کاملی را ارائه نمی‌دهد. کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، در مواد غذایی و تولیدات کشاورزی نرخ رشد بالاتری نسبت به کشورهای صنعتی بدست آوردند، لکن از آنجا که نرخ رشد جمعیت در این

کشورهای دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بالاتر از کشورهای صنعتی بود، بخش عمده افزایش تولید بجای صدور، به مصرف داخلی رسید.

اگرچه سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات جهانی انرژی و مصنوعات افزایش یافته لکن این افزایش بهیچوجه برای جبران کاهش سهم تجارت آنها در مواد اولیه کافی نبود. در نتیجه سهم کشورهای در حال توسعه در کل صادرات جهانی از ۱۷/۲ درصد مربوط به سال ۱۹۶۵ به ۱۳/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ (جدول شماره ۱) کاهش یافت. در بین کشورهای در حال توسعه، فقط کشورهای آسیایی در مقابل این روند مقاومت کردند. مجموع سهم آنها در کل صادرات جهانی از ۴/۸ درصد در سال ۱۹۶۵ به ۵/۶ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. در مقایسه، سهم کشورهای صنعتی در کل صادرات جهانی طی همین دوره، کاهش بسیار مختصری داشت که مربوط به سهم صادرات مصنوعات بود.

۴- روند صادرات کالایی بین مناطق مختلف کشورهای در حال توسعه

.....

تجمعی که در قسمت قبل ذکر شد، تفاوتهای اساسی و قابل توجهه منطقه ای را پنهان مینماید. در بین گروههای منطقه ای کشورهای در حال توسعه، آسیا سریعترین متوسط نرخ رشد (۱۳/۵ درصد) درآمدهای صادرات کالایی را داشته است. در مقایسه، کندترین نرخ رشد مربوط به آفریقا و نیمکره غربی (به ترتیب ۷/۵ درصد و ۹/۱۰ درصد) بوده است. آسیا همچنین با نرخ رشد سالانه ۳/۲۲ درصد در صادرات مصنوعات در مقایسه با متوسط ۶/۱۸ درصد برای کل کشورهای در حال توسعه، دارای سریعترین نرخ رشد بود. رشد نرخ متوسط سالانه کل درآمدهای صادراتی برای کشورهای آسیایی ۹/۱۷ درصد، در نیمکره غربی ۵/۱۲ درصد و در آفریقا ۷/۱۳ درصد بود. آسیا بدلیل دارا بودن کمترین نرخ رشد در ارزش واحدهای صادرات (۵/۷ درصد در سال)، بالاترین و شدیدترین رشد (بیش

مدول شماره ۱- صادرات مواد اولیه آرمان طبق کشورهای در توسعه اکثروهای صنعتی و اوربک به میزان ۱۹۴۵ و ۱۹۸۵ (به عنوان نسبی از صادرات جهانی به درصد)

مستقله	۱۹۴۵		۱۹۸۵		نسبت		میانگین	تفاوت	توضیح
	۱۹۴۵	۱۹۸۵	۱۹۴۵	۱۹۸۵	۱۹۴۵	۱۹۸۵			
استرالیا	۲/۲	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰	
	۵/۴	۲/۸	۵/۲	۲/۷	۱۰۰	۵۶	۵۶	۴۴	
	۱/۹	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۱۳	۱۱۳	۱۳	
	۵/۸	۵/۹	۵/۸	۵/۴	۱۰۰	۱۰۸	۱۰۸	۸	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
اروپا	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
آسیا	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
آمریکا	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
سنگاپور	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
کشورهای در حال توسعه	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
کشورهای صنعتی	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
اوربک	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
متوسط جهانی	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	
	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۵	۱۰۰	۱۲۳	۱۲۳	۲۳	

منبع: میانگین آماری سیستم تجارت با یک جهانی

از ده درصد در سال) را در بین تمام مناطق کشورهای در حال توسعه بدست آورد. کاهش اهمیت نسبی صادرات مواد غذایی، نوشیدنی‌ها و تنباکو، و مواد اولیه کشاورزی برای کشورهای در حال توسعه بطور کلی (جدول شماره ۲)، تفاوت‌های مهم موجود بین مناطق مختلف را خصوصا "از لحاظ صادرات مواد غذایی پنهان می‌سازد. در آسیا، اروپا و نیمکره غربی نرخ رشد سرانه سالانه تولید کشاورزی طی دوره مورد نظر افزایش یافت و بنا بر این کاهش ناچیزی در اهمیت نسبی صادرات مواد غذایی وجود داشت. در مقابل، کاهش سهم صادرات کشاورزی آفریقا منعکس کننده کاهش نرخ رشد سالانه تولید کشاورزی آن از ۲/۷ درصد در دهه ۱۹۶۰ به ۱/۳ درصد در دهه ۱۹۷۰ و نیز افزایش نرخ رشد جمعیت در این منطقه می‌باشد. این کاهش بویژه برای بسیاری از کشورهای آفریقای که هنوز به صادرات کشاورزی به عنوان یک منبع درآمد ارزی وابستگی شدیدی دارند، قابل اهمیت است.

تعجب آور نیست که آفریقا بزرگترین کاهش را نیز در صادرات کشاورزی بعنوان بخشی از صادرات جهانی کشاورزی (جدول شماره ۱) داشت. سهم آفریقا در صادرات جهانی مواد غذایی از ۵/۳ درصد در سال ۱۹۶۵ به ۲/۸ درصد در سال ۱۹۸۰ رسید. در همین فاصله سهم این منطقه در نوشیدنی‌ها و تنباکو از ۱۸/۲ درصد به ۱۲/۳ درصد و در مواد اولیه کشاورزی از ۷/۶ درصد به ۳/۴ درصد رسید. از سوی دیگر، کشورهای آسیایی، بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ بخش ناچیزی از سهم بازار جهانی صادرات کشاورزی را از دست دادند.

۳- دورنمای عرضه و تقاضا در روندهای صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه

در این قسمت به تشریح بعد عرضه و تقاضا در تغییر ساختار کالایی صادرات کشورهای در حال توسعه طی دودهمه اخیر می‌پردازیم :

جدول شماره ۲ - صادرات مواد اولیه از مناطق کشورهای درحال توسعه : کشورهای صنعتی و اروپا به جهان ، ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ (به عنوان سیمی از کسل صادرات مواد اولیه ، به درصد)

کل صادرات		کل مواد اولیه	اصوری		مواد صنعتی		مواد اولیه		کشک و روی	توسعه یها		مواد غذایی		منطقه
مصرفات	مواد اولیه		اصوری	اصوری	مواد صنعتی	مواد صنعتی	مواد اولیه	کشک و روی		توسعه یها	توسعه یها	مواد غذایی	مواد غذایی	
۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۰	۱۹۶۵	
۵۸/۰	۴۷/۴	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴	۱۰/۷	۲۳/۲	۱۱/۸	۱۹/۵	۲۲/۲	۳۰/۲	آمریکا
۶۴/۸	۳۷/۲	۳۵/۳	۴۶/۶	۲۲/۵	۱/۲	۱۳/۸	۱۴/۲	۲۵/۹	۳۷/۵	۵/۲	۱۲/۴	۳۲/۴	۴۲/۳	آسیا
۷۹/۷	۶۵/۶	۳۰/۳	۳۳/۹	۰/۰	۰/۲	۱۴/۹	۱۱/۶	۲۴/۳	۲۴/۶	۸/۲	۱۸/۴	۵/۶	۶/۲	اروپا
۶۸/۳	۱۴۶/۳	۲۱/۷	۵۳/۷	۰/۰	۰/۱	۷/۹	۳/۴	۱۷/۰	۵۵/۸	۰/۰	۰/۴	۱۷/۰	۴۴/۵	خاورمیانه (بسیوفتی)
۳۸/۰	۶۲/۹	۰/۲۶	۷۷/۱	۰/۰	۰/۲	۲۰/۵	۱۹/۹	۸/۳	۱۵/۰	۲۳/۹	۲۳/۷	۴۰/۴	۳۹/۱	شمالگروه فرس
۵/۷	۳۷/۷	۴۰/۳	۶۲/۳	۰/۰	۱/۶	۱۷/۴	۱۸/۴	۱۴/۵	۲۵/۷	۱۳/۰	۱۸/۱	۳۳/۰	۴۴/۲	کل کشورهای درحال توسعه
۸۱/۵	۷۷/۴	۱۸/۵	۲۳/۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۸/۸	۱۸/۳	۱۵/۶	۲۴/۱	۱/۵	۲/۱	۴۶/۵	۵/۲	کشورهای صنعتی
۷/۸	۱۱/۳	۱/۱	۸/۷	۱۰۰	۱۰۰	۴/۶	۷/۸	۱/۶	۲/۱	۰/۵	۲/۰	۰/۵	۴/۳	اروپا
۶۹/۲	۷/۴۴	۳۰/۲	۳۳/۳	۱۰۰	۱۰۰	۲۸/۱	۱۷/۲	۱۰/۵	۲۱/۰	۳/۲	۷/۳	۲۴/۲	۳۸/۵	متوسط جهانی

منبع : مینای آماری سیستم تجارت با تک جهان .

— تقاضا برای صادرات کالائی کشورهای در حال توسعه

اگرچه تا کنون مهمترین عامل تعیین کننده تقاضا برای صادرات کشور— های در حال توسعه، سطح فعالیت های اقتصادی در کشورهای صنعتی بوده است، لکن ترکیب کالائی، قیمت کالاهای، وضعیت جغرافیایی و سیاست های کشورهای صنعتی نیز نقش مهمی را ایفا مینمایند.

اولاً، موفقیت و یا عدم موفقیت کشورهای در حال توسعه در صادرات به بستگی زیادی به نوع کالائیها دراتی و چگونگی تغییر تقاضای جهانی برای هر گروه کالایی در طی زمان دارد. با گذشت زمان، اهمیت صادرات مواد سوختی و مصنوعات در تجارت جهانی افزایش یافته است. کاهش تقاضا برای این گونه کالاهای از کاهش تقاضا برای کالاهای اساسی غیر سوختی بالاتر و قیمت مصنوعات از قیمت مواد غذایی و مواد اولیه بسیار ثبات تراست. کاهش درآمدی تقاضا برای مواد معدنی و فلزات از مواد غذایی یا خواربار بزرگتر است. بعلاوه انتقال مداوم کارخانه های پردازش مواد معدنی از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه، تقاضای کشورهای صنعتی را برای صادرات مواد معدنی کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد داد. علیرغم افزایش تقاضای جهانی برای مواد غذایی و نوشیدنی ها از سال ۱۹۷۳ به بعد، کالاهای کشاورزی به عنوان بخشی از صادرات کشورهای در حال توسعه کاهش یافته است. افزایش فوق ناشی از افزایش سریع تقاضا برای مواد غذایی از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) کشورهای تازه صنعتی شده و کشورهای سوسیالیستی، بدلیل رشد این کشورها میباشد و ارتباط چندانی با کاهش تقاضای بالاتر ندارد. افزایش تقاضا برای محصولات پرارزش نظیر گوشت مرغ، لبنیات، میوه و سبزیجات غالباً توسط کشورهای صنعتی و عمدتاً "جامعه اروپا (EEC)" برآورده گردیده است. عملکرد کشورهای در حال توسعه در بین بازارهای صادرات کشاورزی در حال

رشد، در مناطق و کشورهای مختلف کاملاً متفاوت بوده است. موفقیت‌ها عمدتاً "مربوط به صادرات محصولات غیرسنتی نظیر سویا بوده است در حالی که در صادرات سنتی، اکثراً "تقاضای بدون کشش مانع از افزایش صادرات بوده است. به همین دلیل شکست صادرات کنندگان تولیدات کشاورزی در متنوع ساختن آن منجر به کاهش سهم آنها در تجارت جهانی شده است.

ثانیا، "رشد صادرات تاحدی به موقعیت جغرافیایی صادرات کننده بستگی دارد. برای مثال غالباً "بدلیل نزدیکی آفریقا به اروپا، بازارهای صادرات مواد اولیه آفریقا در جامعه اروپا قرار دارد. با گسترش کشاورزی اروپا در دهه اخیر، صادرات آفریقا به این منطقه کاهش یافته است. در مقابل، اکثر بازارهای صادراتی آسیا با سرعت رشد یافته‌اند. تجارت برنج بین کشورهای در حال توسعه جنوب و شرق آسیا همانند واردات ژاپن از کشورهای آسیایی با سرعت افزایش یافته است.

ثالثاً، سیاستهای کشاورزی و تجاری کشورهای صنعتی بر روی آزادی عمل کشورهای در حال توسعه برای صادرات، تاثیر میگذارد. در بعضی از کشورهای صنعتی، کشاورزی با شدت مورد حمایت و سوبسید قرار گرفته است. برای مثال، جامعه اروپا در بسیاری از محصولات کشاورزی بطرز فزاینده‌ای به خود کفایی دست یافته است که این امر را مدیون ضوابط مختلف حمایتی میباشد. بنابراین کشورهای در حال توسعه در بعضی از تولیدات، قادر به گسترش صادرات خود به بازارهای قبلی کشورهای صنعتی نیستند.

عرضه صادرات مواد اولیه از کشورهای در حال توسعه

شرایط آب و هوا، منابع طبیعی، قیمت‌های نسبی، تکنولوژی، رشد بازار داخلی، و رشد جمعیت، همگی عوامل تعیین کننده عرضه صادرات یک کشور محسوب میشوند. جدا از آب و هوا و منابع طبیعی، سایر عوامل فوق تحت تاثیر سیاستهای داخلی قرار دارند.

اولاً اگر بنا باشد کشوری دارای ترکیب مطلوب تولید برای بازارهای داخلی و صادرات باشد، سیاستهای قیمت گذاری باید اجازه انعکاس قیمتتهای تولیدکننده را در قیمتتهای بازار بدهد. طی دوره مورد بررسی، در بعضی از کشورهای آفریقای با درآمد پائین، انگیزه های ضعیف برای کشت و رزق، سیستم های غیر موثر بازاریابی، تورم بالا و حفظ نرخ برابری اسمی پول داخلی در سطحی بالاتر از ارزش واقعی آن، منجر به افزایش نرخ واقعی ارز شد، زیرا نرخهای نسبتاً "بالای تورم داخلی با تنزل نرخ ارز اسمی کاملاً" جبران نمیشد. همچنین در بسیاری از کشورهای سیاستهای قیمت گذاری، خصوصاً "در کشت و رزق، در ایجاد قابلیت انعطاف کافی در مقابل تورم داخلی با شکست مواجه شدند. برای مثال، در چند کشور آفریقای قیمتتهای واقعی تولیدکننده در سال ۱۹۸۵ پائین تر از سال ۱۹۷۵ بود.

ثانیاً "سیاستهایی که منجر به سرمایه گذاری بیشتر میشود، همبستگی زیادی با نرخ رشد صادرات دارد. گسترش تکنولوژی جدید در بخش روستایی باعث افزایش ظرفیت کشت و رزق شده و درآمدهای صادراتی بیشتری را فراهم خواهد ساخت که میتواند در ورود سرمایه و مواد اولیه لازم جهت گسترش بخش مصنوعات بکار رود. تکنولوژی جدید و آموزش تکنیکی نیز نقش مهمی در انتشار سریع انواع محصولات پربازده دارد.

ثالثاً "سیاست جمعیت و رشد صادرات به یکدیگر ارتباط دارند. بسیاری از کشورهای نشان داده اند که ضوابط موثر میتواند رشد جمعیت را کند نماید. با کند شدن رشد جمعیت امکان صدور بیشتر تولید داخلی و بنا بر این خرید داده های سرمایه ای لازم برای بهبودهای تکنولوژیکی فراهم میشود.

Maخذ: Marian E. Bond, 'An Econometric Study of Primary Commodity Exports from Developing Country Regions to the World', IMF Staff Papers, June 1987, pp.191-204.